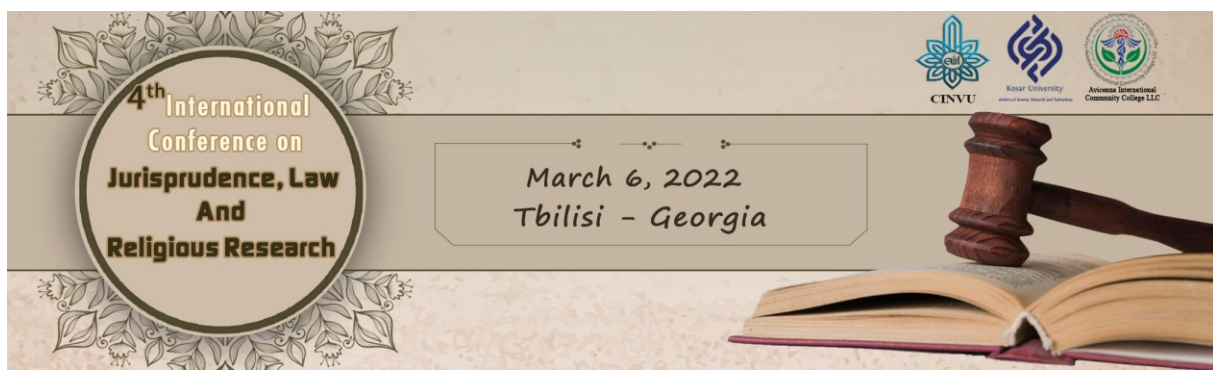




مبانی جراحی زیبایی در نکاح با احراز تدلیس در عیوب با تاکید بر دیدگاه فقهای معاصر

نسرین علوی نیا^۱، ملیحه کشاورز^۲، طیبه میرشکاری^۳

۱-استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب، فارس

۲-استاد حوزه علمیه غدیریه شیراز، فارس

۳-استاد حوزه علمیه فاطمیه شیراز، فارس

چکیده

یکی از قراردادهای مقدس که در تاریخ بشریت مورد احترام و تقدیس بوده، نکاح می‌باشد به گونه ای که تزلزل پایه‌های خانواده همواره زیان سنگینی برای اجتماع قلمداد می‌شود که باید از آن دوری گزید. در کتب فقهی تصریح گردیده که رابطه زوجیت که به وسیله عقد نکاح ایجاد گردیده تنها از طرق محدود و مشخص منقطع می‌گردد؛ یکی از این طرق، حق فسخ است که می‌تواند به سبب تدلیس، تخلف از شرط و عیوب برای هر یک از طرفین احراز شود. فقهای امامیه عمدتاً درباره حکم شرعی جراحی زیبایی جهت درمان عیوب و زشتی‌های پدید آمده ناشی از حوادث قائل به جواز شده‌اند و انجام اعمال جراحی بویژه جراحی تزئینی را جز با رعایت شروط جایز نمی‌دانند. زیرا یکی از مصادیق تدلیس، تدلیس ناشی از جراحی زیبایی است. پیرامون فسخ نکاح به واسطه تدلیس، مباحث متعددی از قبیل شرایط تحقق تدلیس، تاثیر سکوت در تدلیس، حکم عامل تدلیس و مطرح شده و بسیاری از فقها به استناد روایات، قائل به حق فسخ به واسطه تدلیس در نکاح شده‌اند و از فسخ به دلیل تخلف صفت مشروط در نکاح نامی نبرده‌اند، برخی از آنان پس از ذکر موارد تدلیس، به صفاتی مانند بکارت و... اشاره نموده‌اند. برخی نیز تدلیس را به طور مطلق موجب فسخ ندانسته‌اند، بلکه در صورت وجود اشتراط صفت قائل به حق فسخ شده‌اند. در مورد قابل درمان بودن عیوب میان فقها اتفاق نظر وجود ندارد و تعدادی از فقها معتقدند چون شارع در این موارد حق فسخ قرار داده این حق کماکان ثابت است؛ حتی اگر قابل درمان و معالجه باشد و تعدادی دیگر قائل به از بین رفتن حق فسخ اند ولی در مورد بیماری‌های مستحده که خطرناک و مسری باشند آراء اغلب فقها بنابر قاعده لاضرر، فسخ نکاح است.

واژگان کلیدی: جراحی زیبایی، نکاح، تدلیس، فقه امامیه.